این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

سبوی دوست

قاطعیت همراه با محبت

حجت‌الاسلام قرائتی:

پدر و مادر همانطور که برای سرما خوردن فرزند اقتدار به خرج داده و نمی‌گذارند با لباس تابستانی در هوای سرد بازی کند، در دعوت فرزند به نماز هم باید اقتدار داشته باشند. البته اگر درباره فرزند فقط اقتدار به خرج داد و امر کرد، عقده‌ای می‌شود و اگر به فرزند فقط محبت کرد، لوس می‌شود. اگر بخواهیم فرزند نه عقده‌ای شود و نه لوس، باید هم به او محبت کرد و هم اقتدار و قاطعیت به خرج داد. البته محبت باید مقدم بر اقتدار باشد.

منبع: کتاب شیوه‌های دعوت به نماز

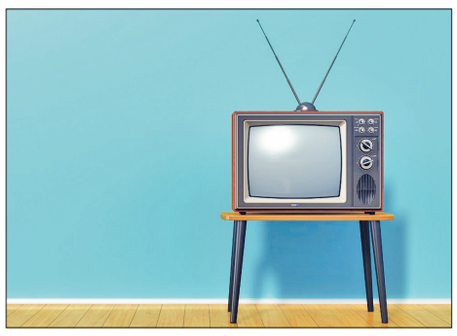

به فکر محتوا هم باشید!

یکی از فعالان شبکه‌های اجتماعی با نام کاربری «فامیل دور» در توئیتر نوشت: با وجود تحریم، پروژه «اچ‌دی» سازی شبکه‌های تلویزیونی حدود سه سال طول کشیده و با اچ‌دی‌سازی برنامه‌های صداوسیما کیفیت تصویری برنامه‌های ورزشی، فیلم، سریال و مستند بالا میره. کاش همینقدر که به فکر کیفیت تصویر بودن به فکر کیفیت محتوا هم بودن!

فرصتی مناسب برای احیای بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران

ابوذر گوهری در کانال تلگرامی «رهیافت امریکا» نوشت: ترور شهید فخری‌زاده بر اساس ارزیابی مشترک امریکا و رژیم صهیونیستی از رفتار ایران مبنی بر عدم واکنش در دوره انتقالی ریاست جمهوری امریکا به امید مذاکره صورت گرفت. در واقع آنها این مقطع - و احتمالاً در صورت عدم دریافت پاسخ مناسب پس از آن - را فرصتی مناسب برای تثبیت رویکرد خود در قبال ایران می‌دانند که بر این اساس ضمن تصویرسازی از ایران به‌عنوان بازیگری آسیب‌پذیر، عملاً توان بازدارندگی کشور را در ابعاد مختلف امنیتی، نظامی، سیاسی، اقتصادی و... به چالش می‌کشند. هدف رژیم صهیونیستی از این ترور نشان دادن ارتباط برنامه هسته‌ای ایران به برنامه‌های نظامی و برجسته‌سازی این مسئله برای اروپا و امریکا و افزایش هزینه بازگشت احتمالی آنها به برجام و افزایش توان چانه‌زنی متحدانش در راستای کسب منافع بیشتر و تحمیل محدودیت بیشتر بر تهران است.

فضای پیش‌رو در مدت باقیمانده اتمام دولت ترامپ، فرصتی مناسب برای احیای بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران از طریق اقدام قاطع، فوری و متناسب، در عین استمرار این روند علیه منافع مستقیم دشمن است. امریکا و رژیم صهیونیستی در حال افول از توان لازم برای درگیری گسترده با جمهوری اسلامی برخوردار نیستند و تنها از طریق اقدامات ایذائی به دنبال پیروزی در جنگ اراده‌ها هستند. راه مؤثر مقابله، تغییر ارزیابی و درک راهبردی دشمن با استفاده از تمامی ابزارهای در دسترس است. در صورت عدم تثبیت توان بازدارندگی کشور هیچ‌کدام از اهداف مورد نظر محقق نخواهد شد.

تصویر منتخب

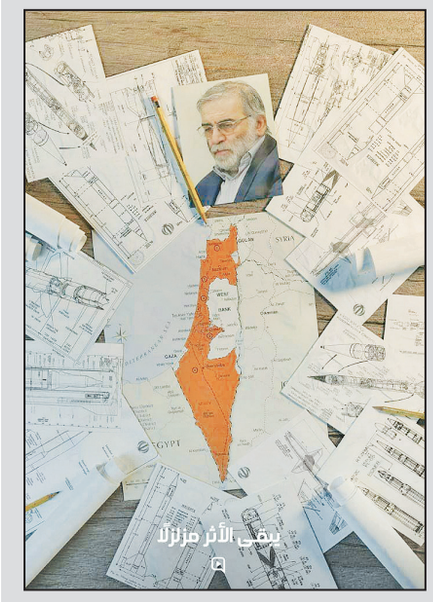

کاربری با نام «فاطمه محمودزاده» نوشت: طرح گرافیکی کاربران لبنانی در واکنش به ترور #شهید- فخری‌زاده «یبقی الأثر مزلزلا/ آثار او زلزله‌ای ویرانگر خواهد بود.»

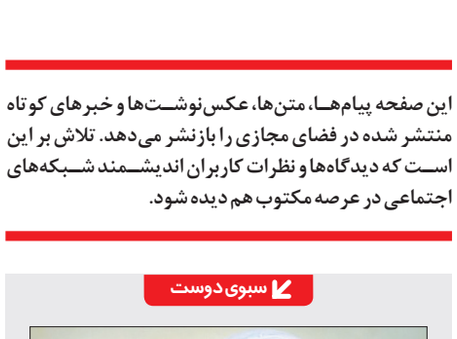

به فکر محتوا هم باشید!

یکی از فعالان شبکه‌های اجتماعی با نام کاربری «فامیل دور» در توئیتر نوشت: با وجود تحریم، پروژه «اچ‌دی» سازی شبکه‌های تلویزیونی حدود سه سال طول کشیده و با اچ‌دی‌سازی برنامه‌های صداوسیما کیفیت تصویری برنامه‌های ورزشی، فیلم، سریال و مستند بالا میره. کاش همینقدر که به فکر کیفیت تصویر بودن به فکر کیفیت محتوا هم بودن!

فرصتی مناسب برای احیای بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران

ابوذر گوهری در کانال تلگرامی «رهیافت امریکا» نوشت: ترور شهید فخری‌زاده بر اساس ارزیابی مشترک امریکا و رژیم صهیونیستی از رفتار ایران مبنی بر عدم واکنش در دوره انتقالی ریاست جمهوری امریکا به امید مذاکره صورت گرفت. در واقع آنها این مقطع - و احتمالاً در صورت عدم دریافت پاسخ مناسب پس از آن - را فرصتی مناسب برای تثبیت رویکرد خود در قبال ایران می‌دانند که بر این اساس ضمن تصویرسازی از ایران به‌عنوان بازیگری آسیب‌پذیر، عملاً توان بازدارندگی کشور را در ابعاد مختلف امنیتی، نظامی، سیاسی، اقتصادی و... به چالش می‌کشند. هدف رژیم صهیونیستی از این ترور نشان دادن ارتباط برنامه هسته‌ای ایران به برنامه‌های نظامی و برجسته‌سازی این مسئله برای اروپا و امریکا و افزایش هزینه بازگشت احتمالی آنها به برجام و افزایش توان چانه‌زنی متحدانش در راستای کسب منافع بیشتر و تحمیل محدودیت بیشتر بر تهران است.

فضای پیش‌رو در مدت باقیمانده اتمام دولت ترامپ، فرصتی مناسب برای احیای بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران از طریق اقدام قاطع، فوری و متناسب، در عین استمرار این روند علیه منافع مستقیم دشمن است. امریکا و رژیم صهیونیستی در حال افول از توان لازم برای درگیری گسترده با جمهوری اسلامی برخوردار نیستند و تنها از طریق اقدامات ایذائی به دنبال پیروزی در جنگ اراده‌ها هستند. راه مؤثر مقابله، تغییر ارزیابی و درک راهبردی دشمن با استفاده از تمامی ابزارهای در دسترس است. در صورت عدم تثبیت توان بازدارندگی کشور هیچ‌کدام از اهداف مورد نظر محقق نخواهد شد.

هشتگ «#محسن_فخری_زاده» در صدر توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی

کانال تلگرامی دیتاک که به ارائه آمارهایی از شبکه‌های اجتماعی اشتغال دارد، در گزارشی نوشت: خبر ترور شهید محسن فخری‌زاده، رئیس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع و از دانشمندان کشورمان توسط عوامل تروریستی به صدر اخبار رسانه‌های داخل و خارج کشور تبدیل شد.

طبق گزارش رصد دیتاک این خبر در ساعات اولیه در بستر توئیتر با ۲۴۲۶ پست در ساعت و ۲/۵۸ هزار توئیت، ۲/۴۳ هزار ریتوئیت و ۱/۵۰ هزار لایک توسط کاربران مورد توجه قرار گرفت.

در توئیتر هشتگ #محسن_فخری_زاده با ۳۱۴۰۰ بار تکرار، #شهید_محسن_فخری_زاده با ۳۵۱۸ بار استفاده در کنار هشتگ‌های #انتقام_سخت و #شهید_قاسم_سلیمانی مورد توجه کاربران بوده است.

توئیت «محسن فخری‌زاده یکی از مشهورترین دانشمندان کشورمان در یک عملیات پیچیده تروریستی توسط یک تیم ترور #موساد ترور شد» با ۴۴۹۵ لایک و ۳۷۴ ریتوئیت مورد توجه‌ترین توئیت بوده است.

در بستر تلگرام کاربران با ۳۸۰ پست در ساعت، ۱/۹ هزار پست منتشر کرده‌اند که در مجموع ۵/۴۳ میلیون بازدید را به خود اختصاص داده است. کانال‌های خبر ویژه، خبر فوری، گیزمیز و بی‌بی‌سی پرمراجعه‌ترین بسترهای مخاطبان در تلگرام بودند. اولین تصویر از محل شهادت شهید فخری‌زاده در کانال خبر فوری با ۱۹۴۱۹۷ ویو بالاترین میزان جلب توجه در مخاطبان را داشته است.

کاربران در بستر اینستاگرام با ۱۲۵ پست و ۴/۱۶ هزار لایک موضوع ترور را مورد توجه قرار دادند. در بستر خبر نیز در ساعات اولیه با ۹۵ پست در ساعت، ۲۳۰۰ هزار خبر منتشر شده که خبرآنلاین، دنیای اقتصاد و مشرق از لحاظ میزان کامنت مورد توجه‌ترین وبسایت‌های خبری بوده‌اند.

برخی کاربران نیز با یادآوری همزمانی این ترور با سالگرد ترور شهید شهریاری دیگر دانشمند هسته‌ای کشورمان نوشته‌اند: «امروز سالگرد شهادت مجید شهریاری (۸ آذر ۸۹) فیزیکدان و دانشمند هسته‌ای بود که در تهران ترور شد. ایران اسرائیل را دست پشت پرده ترور دانشمندان هسته‌ای می‌داند.

عبارت شهید #محسن_فخری‌زاده هم اکنون و با گذشت ساعاتی از وقوع این حمله تروریستی همچنان در حال بالا رفتن در لیست موضوعات داغ توئیتر است و سرعت ارسال توئیت با این عبارت در حال افزایش است.

ترور توسط کشورهایی که همواره ایران را به تروریست بودن و حمایت از تروریست‌ها متهم و با همین توجیه انواع تحریم‌ها و فشارها را بر مردم کشور تحمیل کرده‌اند، نشانه و تأکیدی است بر اینکه ما به آنچه انجام می‌دهید توجه می‌کنیم نه آنچه می‌گویید.

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به شنیده شدن ندای مذاکره با وجود ترور شهید فخری‌زاده

دم زدن مدام از مذاکره دارد امنیت را از ایران امن ما می‌گیرد

ترور شهید محسن فخری‌زاده، دانشمند برجسته هسته‌ای کشورمان و خبر تأکید برخی چهره‌های دولتی بر عدم استفاده از عنوان «دانشمند هسته‌ای» برای این شهید و تعلل رئیس‌جمهور در صدور پیام و موضع‌گیری باعث شد برخی کاربران مسئله را در چارچوب اصرار دولت بر مذاکره مجدد با امریکا تحلیل کنند و این نوع اقدامات را از سر چشم انتظاری دولتی‌ها به مذاکره با دولت آینده امریکا بدانند. کاربران با وجود ترور شهید فخری‌زاده و پیش از آن ترور شهید حاج قاسم سلیمانی تأکید کردند هرگونه مذاکره با امریکایی‌ها در واقع خیانت به خون شهداست و ایران باید هر چه سریع‌تر با اقدامی قاطعانه نشان دهد حاضر به پذیرش این ذلت نیست. برخی نمایندگان مجلس نیز در محکومیت این نگاه با کاربران شبکه‌های اجتماعی همراهی کردند. در ادامه بخشی از واکنش‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی را می‌خوانید.

■ **علیرضا گرائی:**

برجام را امضا کردند؛ سردار سلیمانی ترور شد! گفتند حاضریم دوباره مذاکره کنیم؛ دانشمند هسته‌ای‌مان ترور شد! و غربزده‌های واشنگتن‌لیس هنوز خواب ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ را می‌بینند... به خود بیاییم؛ این مذاکره مذاکره‌کردن‌ها دارد امنیت را از ایران امن ما می‌گیرد.

■ **سیدنظام‌الدین موسوی:**

در برجام هستیم. صنعت هسته‌ای ما تعلیق است. سانتریفیوژها خاک می‌خورند. نه تحقیقی، نه توسعه‌ای و نه آزمایش جدیدی. دولتمردان ما پالس تعامل می‌فرستند و ساز مذاکره تازه کوک می‌کنند، اما دانشمند هسته‌ای ما ترور می‌شود. ترس و عقب‌نشینی، تدبیر نیست، حماقت است. شمشیر دشمن را تیزتر می‌کند.

■ **عبدالله گنجی:**

یادمان باشد صنعت هسته‌ای ایران با شهادت شهریاری، علیمحمدی و احمدی روشن تعطیل نشد، بلکه با مذاکره تعطیل شد! با شهادت فخری‌زاده نیز خللی در صنعت هسته‌ای و موشکی ایجاد نمی‌شود مگر با مذاکره. شهادت تکثیر و رویش مشابه می‌کند و مذاکره تکثیر شده‌ها را خانه نشین می‌کند.

■ **سیدناصر حسینی‌پور:**

دستاورد راستی‌آزمایی، خرابکاری در پارچین، نطنز و... بوده است! ممکن است جناب آقای صالحی بفرمایند آدرس محل کار #شهید_محسن_فخری‌زاده در گزارش شماره GOV/۲۰۱۵/۶۸ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی چه می‌کند؟! بگویید دیگر چه اطلاعات باارزشی به بازرسان (بخوانید جاسوسان) آژانس داده‌اید؟!

■ **کاربری با نام «حاج حیدر»:**

آقایان مسئول! مخاطب اصلی پیام امروز آقا در مورد مجازات قطعی عاملان و آمران ترور شهید محسن فخری‌زاده متوجه شماست! خدا کند تقاص خون این شهید، معطلِ روی کار آمدن آن الاغ امریکایی یا گرفتن صندلی سازش و میز مذاکره نماند!

■ **وحید یامین‌پور:**

آنها که پیام ضعف و انفعال مخابره کرده‌اند، عملاً تردید دشمن را در ارتکاب جنایت برطرف کرده‌اند. حالا هم دلباختگان مذاکره بزرگ‌ترین نگرانی‌شان این است که وصف «دانشمند هسته‌ای» برای شهید فخری‌زاده تثبیت نشود تا اخلالی در امیدهای آینده‌شان رخ ندهد.

■ **یدالله اکبری‌فرد:**

پس از شهادت حاج قاسم سلیمانی، ظریف اعلام کرد راه مذاکره بسته نشده است و بعد از خرابکاری در سایت نطنز عراقچی اعلام کرد نباید بهانه به دست امریکا بدهیم. این سخنان ترمزی محکم در برابر اقدام متقابل ایران شده و البته پالس ضعف و سستی به دشمن مخابره کرده است. #شهید_محسن_فخری_زاده

■ **ابراهیم علی‌پور:**

وقتی رهبری به #شهید_محسن_فخری‌زاده میگن دانشمند هسته‌ای یعنی دانشمند هسته‌ای بودند. بتن ریختن توی قلب رآکتورها که طبق برجام بود. امیدوارم از نظر دولت ما، ترور دانشمندان هسته‌ای جزو روح برجام نباشه که نهایت بی‌غیرتیه.

■ **مسلم معین:**

اروپا داخل این ژست رفته که ترور محسن فخری‌زاده کار جناح تندرو در امریکا و اسرائیل است تا کار بایدن برای مذاکره با ایران سخت شود! این موضع یعنی غرب تشنه مذاکره برای ضربه مجدد به ایران است، تا هم ترور را کرده باشند هم منفعت لایزال مذاکره را داشته باشند. برد - برد یعنی همین.

■ **پدرام شمیرانی:**

اونا هدفشون گرفتن مؤلفه‌های قدرته اگه بتونن با فشار و مذاکره میگیرن، نتونن با ترور! در حقیقت مذاکره همون ترور آهسته و بدون خونریزیه! پس طرفداران مذاکره در حاصل امر با تروریست‌ها تفاوتی ندارن.

گزارش

در ستایش پرسه زدن‌های بی‌هدف

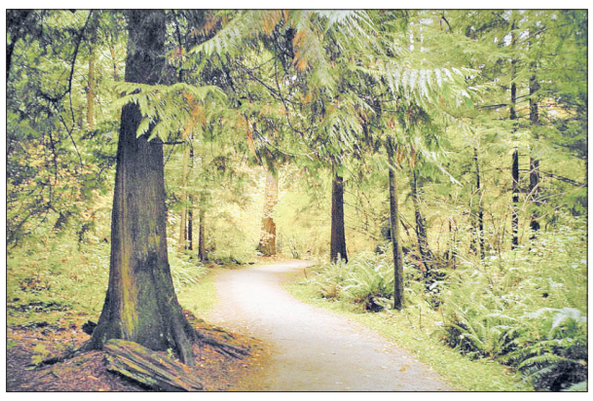

صدیق قطبی در کانال تلگرامی «عقل آبی» بخش‌هایی از کتاب «در ستایش اتلاف وقت» اثر آلن لایتمن را با ترجمه شهاب‌الدین عباسی به اشتراک گذاشت. در این بخش می‌خوانیم: می‌توانم زمانی را به یاد بیاورم که این‌طور زندگی نمی‌کردم. می‌توانم روزهای کودکی‌ام را به یاد بیاورم، زمانی که تنهایی از مدرسه به طرف خانه آهسته قدم می‌زدم و راه فرعی طولانی را که از میان جنگل می‌گذشت، در پیش می‌گرفتم. با سکوتی که فقط صدای قدم‌های خودم آن را می‌شکست، لاک‌پشت‌ها را که در راه‌های خاکی به نرمی حرکت می‌کردند، دنبال می‌کردم. آنها کجا رفتند و چرا؟ با شاخه‌های درخت‌های افتاده، برج و بارو درست می‌کردم. کنار برکه کورنفیلد می‌نشستم و ساعت‌ها وقتم را تلف می‌کردم و سرگرم تماشای بچه‌قورباغه‌ها می‌شدم یا جنبش علف‌ها در باد را تماشا می‌کردم. ذهنم از این شاخه به آن شاخه می‌پرید. به این فکر می‌کردم که آن شب برای شام چه می‌خواهم، خدا مرد است یا زن، آیا بچه قورباغه‌ها می‌دانند مقدر است قورباغه شوند، مُردن چه حسی دارد، وقتی بزرگ شدم، می‌خواهم چه‌کاره شوم؟ و از اینجور چیزها. وقتی هوا تاریک می‌شد به طرف خانه راه می‌افتادم.

از خودم می‌پرسم آن ساعت‌های بی‌خیالی که کنار برکه وقت می‌گذراندم کجا رفت؟ دنیا چطور اینقدر تغییر کرده؟ البته بخشی از جواب به سادگی این است که من بزرگ شده‌ام. نمی‌توان انکار کرد که بزرگسالی مسئولیت‌ها، الزامات و فشارهای خاص خودش را به همراه دارد و مستلزم آگاهی از مشکلات زندگی است، ولی این فقط بخشی از ماجراست... در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ تا به امروز، دگرگونی عظیمی در جهان رخ داده است. این دگرگونی چنان گسترده بوده که شیوه سخن گفتن و عمل کردن و اندیشیدن ما را به کلی عوض کرده است. این تغییرات غالباً آن‌قدر ظریف و نامحسوس بوده‌اند که به زحمت از آنها خبر داریم. یکی از این واقعیت‌ها این است که دنیای امروز سریع‌تر، برنامه‌ریزی‌شده‌تر، تکه‌تکه‌شده‌تر، عجولانه‌تر، پُرسروصداتر، بی‌تاب‌تر، مجهزتر و عمومی‌تر است. اگر بخواهم عبارت بهتری به کار ببرم، آن را «جهان بی‌قرار» می‌نامم. منظورم از این تعبیر، فقط ارتباطات دیجیتالی، اینترنت و رسانه‌های اجتماعی نیست. سر و صدا و شتاب بی‌امان جهان را هم در نظر دارم... ما دقیقاً چه چیزی را از دست داده‌ایم؟... اگر دیگر وقت نداریم ذهنمان را آزاد بگذاریم که بی‌دغدغه و بدون هدف خاصی پرسه بزند و بچرخد، چه چیزی را از دست داده‌ایم؟... حالا به ندرت به ذهنم اجازه می‌دهم بدون اصطکاک و ضرب‌الاجل برای خودش آزادانه پرسه بزند. به ندرت خودم را از هجوم و هیاهوی جهان بیرون دور نگه می‌دارم. در این میان چه چیزی از دست رفته است؟

من قطعاً فعالیت‌های خلاقانه‌ام را در معرض خطر قرار داده‌ام. روانشناسان مدت‌هاست می‌دانند خلاقیت در زمان‌های بی‌برنامه، هنگام بازی، هنگام «تفکر واگرا» و در گردش‌های بی‌هدف شکوفا می‌شود. گوستاو مالر پس از ناهار به طور معمول سه چهار ساعت پیاده‌روی می‌کرد و ایده‌هایش را به سرعت در دفترچه‌اش می‌نوشت. کارل یونگ بیشترین تفکر و نوشتن خلاقانه‌اش زمانی بود که فعالیت‌های بی‌امانش را در زوریخ تعطیل می‌کرد و به خانه روستایی‌اش در بولینگن می‌رفت... آیا ما برای چنین ماجراجویی‌های ذهنی‌ای به فضاهای خالی نیاز نداریم؟...

اما من بیشتر از این هم از دست داده‌ام. معتقدم چیزی از خود درونی‌ام را از دست داده‌ام. منظورم از خود درونی، بخشی از من است که تخیل می‌کند، رؤیاپردازی می‌کند، می‌کاود و دائم از من می‌پرسد من که هستم و چه چیزی برای من مهم است. خود درونی‌ام مرا به ریشه‌های خودم، به اصلم برمی‌گرداند. نور آفتاب و خاکی که خود درونی‌ام را پرورش می‌دهد، تنهایی و تأملات شخصی است.

وقتی به خود درونی‌ام گوش می‌دهم، صدای تنفس روحم را می‌شنوم. آن نفس‌ها آن‌قدر ظریف و لطیف هستند که برای شنیدنشان نیاز به سکوت و آرامش دارم؛ نیاز به آهستگی دارم. نیاز به فضاهای وسیع و ساکت در ذهنم دارم. نیاز به خلوت و حریم خصوصی دارم. بدون تنفس و شنیدن صدای خود درونی‌ام زندانی دنیای بی‌قرار پیرامونم هستم...

با کمی عزم و اراده هر یک از ما می‌توانیم نیم ساعت در روز زمان برای «اتلاف وقت» دست و پا کنیم. با این کار به خودمان هدیه می‌دهیم؛ هدیه‌ای به روح‌مان. این کار تکریم نجوای درونی ماست. آزادی از قفس دنیای شلوغ مجازی است. آزادی است. دهه‌ها قبل، وقتی آن پسربچه‌ای بودم که در راه بازگشت از مدرسه به خانه، در میان درختان قدم می‌زد و لاک‌پشت‌هایی را که آهسته در مسیر خاکی پیش می‌رفتند دنبال می‌کرد و ساعت‌ها وقتش را به تماشای بچه قورباغه‌ها در آب‌های کم‌عمق یا حرکت بوته‌ها در باد تلف می‌کرد، آزاد بودم. ما نمی‌توانیم به آن دنیا برگردیم، ضرورتی هم ندارد این کار را کنیم، ولی می‌توانیم بخشی از آن فضا را در دنیای امروزمان به وجود بیاوریم. می‌توانیم منطقه حفاظت‌شده‌ای در ذهن و ضمیرمان به وجود بیاوریم.

شهادت هفتمین دانشمند هسته‌ای ایران

دکتر علی دارابی، تحلیلگر مسائل سیاسی در کانال تلگرامی خود نوشت: ترور *شهید دکتر محسن فخری زاده* عصر جمعه در نزدیکی دماوند توسط تروریست‌ها زنگ خطر را بار دیگر به صدا در آورد. با عرض تبریک و تسلیت شهادت این انسان مؤمن، خداجو، خادم مردم و از طراحان توسعه و پیشرفت کشور به رهبر حکیم انقلاب اسلامی، خانواده عزیز شهید و ملت بزرگ ایران چند نکته مهم و عبرت‌آموز را درباره این حادثه باید مورد توجه قرار داد:

نکته اول: خرابکاری در صنعت هسته‌ای از جمله نطنز و شهادت هفت نفر از دانشمندان هسته‌ای کشور در این سال‌ها نشان از «نفوذ دشمنان در مراکز حساس» است. امریکا، رژیم اشغالگر قدس، ارتجاع عرب و نوکران آنها مثل منافقین متهم ردیف اول این جنایات و ترورها هستند و باید از آنان انتقام سخت گرفت.

نکته دوم: نهادهای امنیتی و اطلاعاتی کشور خدمات و فداکاری‌های بزرگی برای تأمین امنیت، ثبات و استقلال کشور انجام داده و شهیدان زیادی هم در راه انجام وظیفه خود تقدیم کرده‌اند، اما پاسخگو بودن در این حادثه و بررسی کوتاهی احتمالی و برخورد قاطع با آن مورد انتظار مردم است. نهادهای اطلاعاتی که قدرتمندی آنها زبانزد جهانیان است باید کمترین خطاهای احتمالی را داشته باشند و اشراف اطلاعاتی آنان برای کشور اطمینان‌بخش باشد.

نکته سوم: بحران تحلیل از شرایط پیچیده امنیتی، اطلاعاتی در منطقه حساس و استراتژیک خاورمیانه از یکسو و رقابت‌های دستگاه‌های اطلاعاتی و جاسوسی بیگانه و دشمنان از سوی دیگر توسط برخی مدیران و مسئولان ارشد کشور امری نابخشنودی است. چگونه می‌توان از مقام‌های عالی امنیتی کشور پذیرفت که «هیچ تهدیدی متوجه مدیران کشور نیست و ترور مسئولان و مقامات مختص دهه شصت است و باید بساط حفاظت‌های مسئولان را جمع کرد؟!»

این قبیل تحلیل‌ها نشان از دست کم گرفتن فتنه و توطئه‌های دشمنانان قسم خورده ملت ایران و نوعی خوشبینی به‌دور از واقعیت درباره مثلث ارتجاع عرب، رژیم صهیونیستی و قدرت‌های غربی و در رأس آن امریکای جنایتکار نسبت به اهمیت و قدرت فرامنطقه‌ای انقلاب اسلامی است.

نکته چهارم: دانشمندان و نخبگان ایرانی پرچم توسعه و پیشرفت را همچنان در دستان پرقدرت خود در اهتزاز برافراشته نگه خواهند داشت و راه شهیدان را پرقدرت‌تر و مقاوم‌تر از گذشته دنبال خواهند کرد، زیرا راهمان درست و برحق است و قدرت دفاعی و راهبردی کشور قابل معامله و مصالحه نیست و این را دولت و وزارت خارجه باید بیش از همه بدانند.

ما نوکر بسیجیم

احسان گل‌محمدی روزنامه‌نگار در مطلبی کوتاه در خصوص دیدار اتفاقی خود و سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی در هفته بسیج نوشت: تاریخ همین روزها را نشان می‌داد، اما حدوداً هشت سال قبل بود؛ پژویی ایستاد و او از آن پیاده شد. به طرفش رفتم. لبخندم را که دید مرا در آغوش کشید و بدون اینکه شناخت قبلی از من داشته باشد حال و احوال کرد و اشاره‌ای به ساعت خود کرد که زمان ندارد و برای دیدن هم‌قطارانش باید به داخل برود.

با توجه به اینکه نیاز بود برای پوشش حضور مراسم بیرون بمانم از همراهی با او محروم ماندم. منتظر ماندم و او برگشت؛ پس از برگشت از او خواستم با توجه به هفته بسیج چند کلمه‌ای در مورد آن صحبت کند؛ او گفت من نوکر بسیج و مخلص بسیج هستم.

با توجه به عجله‌ای که داشت، سعی می‌کرد هم به کارش برسد و هم به گونه‌ای باشد که من دلخور نشوم. ادامه داد که بعداً حرف بزنیم؟ گفتم شما را مگر می‌شود پیدا کرد؟ گفت چرا نمی‌شود؟ بیا دفتر گپ بزنیم. امروز که داشتم ضبط صوتم را جست‌وجو می‌کردم با صدای این ماجرا روبه‌رو شدم یادش گرامی باد.